



|| شماره ۴ || بهار سال اول || زمستان ۱۳۹۶ ||

گورهای عصرآهن I گورستان گیلوان خلخال

رضا رضالو*
یحیی آبرملو**

(صص: ۵۸ - ۳۷)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱

چکیده

گورستان گیلوان یکی از بزرگ‌ترین گورستان‌های باستانی ایران است که در جنوب استان اردبیل و در دشت میان‌کوهی خلخال واقع شده است و به لحاظ یافته‌های باستان‌شناختی یکی از شاخص‌ترین محوطه‌های شمال غرب ایران به‌شمار می‌آید، زیرا قبوری از سه دوره باستان‌شناسی عصرمفرغ میانی، عصرآهن و دوره پارتنی را ارائه داده است. چهار فصل کاوش علمی در آن انجام گرفته که نتایج فصل اول آن به‌طور کامل انتشار یافته است. در این پژوهش به قبور عصرآهن که در فصل دوم مورد کاوش قرار گرفته‌اند پرداخته شده است. در طی این فصل ۵ گور باستانی مورد کاوش قرار گرفت که با شماره‌های ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۱ مشخص گردیده‌اند. گور شماره ۲۹ در عصرمفرغ میانی، قبور ۲۶، ۲۸ و ۳۱ در عصرآهن I و گور ۲۷ در دوره پارتنی تاریخ‌گذاری شده‌اند. گورهای این گورستان به‌صورت چاله‌ای بوده که تدفین در آن‌ها به‌صورت تک‌نفره و دونفره صورت گرفته است. در پژوهش حاضر قبور عصرآهن به لحاظ کیفی به شیوه توصیفی-تحلیلی و با رویکرد مقایسه‌ای مورد مطالعه و به لحاظ یافته‌های تدفینی با آثار سایر محوطه‌های شمال غرب و مناطق هم‌جوار مورد مقایسه قرار گرفته است. مقایسه‌های انجام‌گرفته مانند نتایج مطالعات قبور فصل اول این گورستان یک ارتباط فرهنگی را با محوطه‌های عصرمفرغ میانی و جدید و عصرآهن I و II نشان می‌دهد که این موضوع بیانگر تسلسل فرهنگی از عصرمفرغ میانی تا اواخر عصرآهن II است که در نقطه مقابل نظریه پویایی فرهنگی قرار می‌گیرد.

کلیدواژگان: شمال غرب ایران، گورستان گیلوان، عصرآهن I، قبور چاله‌ای، تسلسل فرهنگی.

مقدمه

مطالعات باستان‌شناسی گورستان گیلوان بدین جهت حائز اهمیت است که در این محوطه در یافته‌های تدفینی به دست آمده از قبور، شاهد یک تسلسل فرهنگی از عصر مفرغ میانی تا عصر آهن II هستیم. چنین نتایجی برای مطالعات عصر آهن و همچنین نظریه پویایی فرهنگی در بازه زمانی اواخر عصر مفرغ و شروع عصر آهن که برخی از پژوهشگران معتقد به آن هستند اهمیت ویژه‌ای دارد. در این محوطه هم در شیوه تدفین و هم در بسیاری از یافته‌های تدفینی، در گذر از یک دوره به دوره دیگر تفاوت‌های فاحشی قابل مشاهده نیست. به عنوان مثال بسیاری از ظروف سفالی عصر آهن این محوطه فرم‌های تحول یافته دوره‌های قبل هستند؛ یا اینکه در شیوه‌های تدفینی یک سنت خاص و جدیدی که نسبت به دوره‌های قبل اختلاف ملموسی را نشان دهد دیده نمی‌شود. از این رو این محوطه و سایر محوطه‌های این دوره را که چنین ویژگی بارزی را نشان می‌دهند، باید به عنوان محوطه‌های شاخص برای مطالعات راجع به عصر آهن مدنظر قرار داد.

یکی از ویژگی‌های بارز گورستان گیلوان داشتن قبوری از چندین دوره باستان‌شناختی است. چنین ویژگی در این گورستان در میان محوطه‌های پیش از تاریخی شمال غرب ایران منحصر به فرد است. این ویژگی این امکان را فراهم آورده است تا یافته‌های تدفینی چندین دوره با یکدیگر مورد مقایسه قرار گیرد و ویژگی‌های ساختاری و تزئینی ساخت این اشیاء به شیوه تطبیقی نگریسته شود. از سویی دیگر مطالعات طولانی و گسترده در این محوطه باعث شده تا اطلاعات جامعی از تمام جنبه‌های تدفینی در این گورستان به دست آید. قرار گرفتن برخی از قبور این گورستان به صورت طبقاتی بر روی هم با وجود نهشته‌های طبیعی در حفاصل بین قبور، یک دید نسبتاً خوبی را به لحاظ لایه نگاری فراهم آورده است. چنین ویژگی در کمتر گورستانی می‌تواند وجود داشته باشد.

پیشینه پژوهش‌های پیش از تاریخی استان اردبیل

استان اردبیل را می‌توان به سه حوزه جغرافیایی مهم تقسیم نمود. اولین بخش شامل دشت‌های میان‌کوهی خلخال است؛ جایی که قسمت‌های جنوبی استان اردبیل را شامل می‌شود و محوطه‌هایی از عصر مفرغ میانی و آهن در آنجا مورد مطالعه قرار گرفته است. گورستان خانقاه گیلوان یکی از مهم‌ترین محوطه‌های مورد مطالعه در این بخش است که در طی چهار فصل مورد حفاری قرار گرفته است (رضالو، ۱۳۸۶ الف؛ ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹؛ Rezalou, 2011; Rezalou et al., 2015; Rezalou & Ayramlou 2016). دومین بخش این استان شامل دشت‌های اردبیل و مشگین‌شهر است که تعداد قابل توجه گورستان و قلاع باستانی را در خود جای داده‌اند. قلعه خسرو یکی از مهم‌ترین قلاع در دشت اردبیل به شمار می‌آید که نشانگر جوامعی با ساختارهای پیچیده سیاسی - اجتماعی با یک قلعه مرکزی و شمار چندین قلعه پیرامونی در عصر مفرغ متأخر است (رک. رضالو، ۱۳۸۶ ب: ۱۰۰-۶۰؛ رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳). بررسی چارلز برنی در سال ۱۹۷۸ میلادی در دشت مشگین‌شهر یکی از اولین و مهم‌ترین پژوهش‌ها در این حوزه بوده است (Ingraham & Sum-mers, 1979: 155-156). تیم او دشت مشگین‌شهر را مورد بررسی قرار داده و به جز دو مورد محوطه مس‌سنگی، تمامی محوطه‌ها را به دوره آهن و دوره‌های جدیدتر تاریخ‌گذاری نمودند. در این بررسی هیچ محوطه عصر مفرغی گزارش نشده است (Burney, 1979: 155-156). یکی دیگر از مهم‌ترین محوطه‌ها در این حوزه، شهریری بود که در گزارش برنی با عنوان قلعه ارجق معرفی شده است. از دیگر محوطه‌های مهم می‌توان به قوشاتپه اشاره نمود که برای اولین بار توسط هژبری نوبری در سال ۱۳۸۴ شمسی مورد مطالعه قرار گرفت (رک. به: هژبری نوبری، ۱۳۸۳؛ پورفرج، ۱۳۸۶). قدیمی‌ترین شواهد فرهنگی این بخش از این تپه به دست آمده که می‌توان آن را به اواخر دوره نوسنگی و دوره مس‌سنگی مربوط دانست. در مطالعات اخیر نیز بیش از ۲۵۰ گور کلان‌سنگی در این

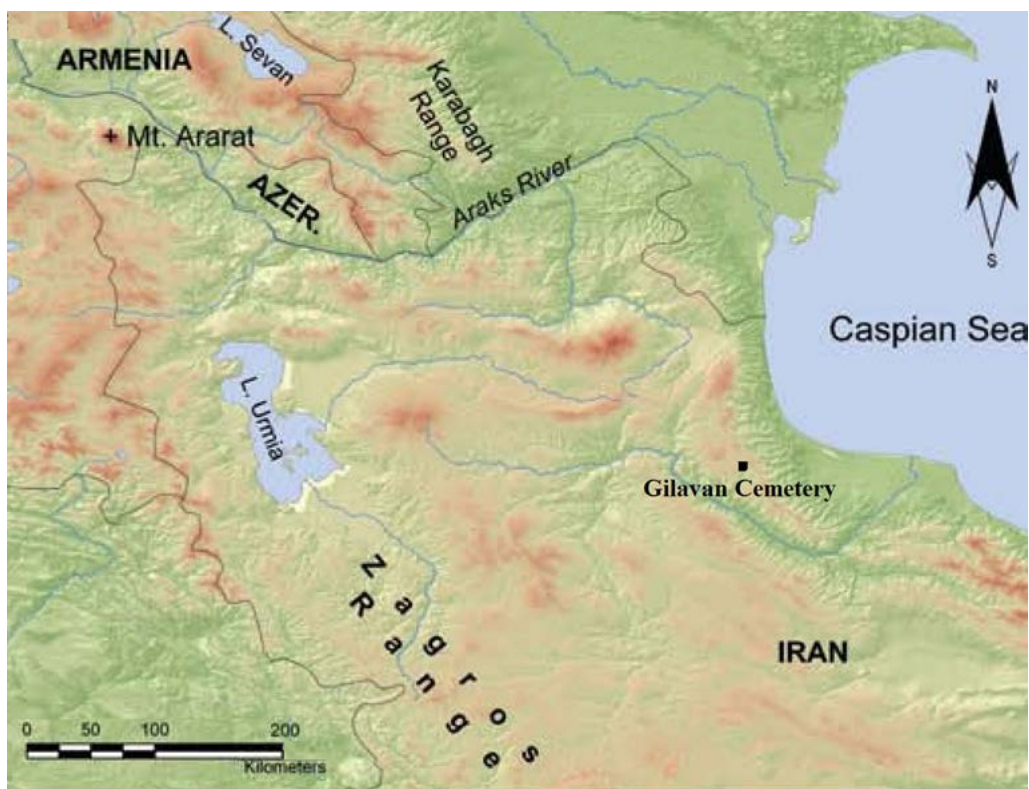
ناحیه مورد بررسی قرار گرفته است (ر.ک. به: ابتهاج، ۱۳۸۳). از دیگر مطالعات این حوزه می‌توان به کاوش در قلعه بوبینی یوغون نیر (ر.ک. به: پورفرج، ۱۳۹۱)، گورستان خرم‌آباد مشکین شهر (ر.ک. به: رضالو، ۱۳۹۱) و گورستان قیزیل قیه روستای احمدبیگلوی مشکین شهر (ر.ک. به: حاجی‌زاده، ۱۳۹۳) اشاره نمود. سومین حوزه در این استان دشت مغان است که محوطه‌های پیش از تاریخی چون تپه‌ایدیر (ر.ک. به: حصاری و اکبری، ۱۳۸۴) مربوط به اواخر دوره نوسنگی و مس‌سنگی در آنجا مورد مطالعه قرار گرفته است. در این حوزه یک بررسی کوتاه نیز انجام پذیرفته است (ر.ک. به: Alizadeh & Ur, 2007).

گورستان گیلوان و پیشینه مطالعات آن

گورستان گیلوان در مختصات ۳۷ درجه ۱۷ دقیقه و ۳۹ ثانیه و ۹ صدم ثانیه طول جغرافیایی و ۴۸ درجه و ۴۹ دقیقه و ۷ صدم ثانیه عرض جغرافیایی در قسمت شمال غربی روستای خانقاه و چسبیده به آن قرار گرفته است. این محوطه در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی خلخال در بخش شاهرود از توابع شهرستان خلخال و در ۱۸۰ کیلومتری جنوب شهر اردبیل قرار دارد. دسترسی به این محوطه از طریق جاده آسفالته‌ای است که از شهر خلخال به سمت بخش شاهرود کشیده شده است (تصاویر ۱ و ۲). این گورستان بر روی یک تپه بلند طبیعی که بیشترین ارتفاع آن از سطح دریا ۱۶۷۵ متر و از سطح جاده آسفالته که از شمال تپه عبور می‌کند ۵۴ متر بوده، قرار گرفته است. جبهه شمالی این تپه طبیعی دارای شیب ملایمی بوده و به دره‌ای که رود گیلوان چایی از آن عبور می‌کند منتهی می‌شود. جبهه غربی آن دارای شیب تندی بوده و به دره‌ای که در فاصله میان آن با تپه‌های دیگر قرار دارد و جریان‌های سیلابی ارتفاعات اطراف را به رود گیلوان چایی پیوند می‌دهد منتهی می‌شود. جبهه شرقی تپه به روستای گیلوان و تپه‌های مجاور متصل است. جبهه جنوبی نیز به ارتفاعات اطراف متصل است. این محوطه در داخل دره‌ای سرسبز در میان ارتفاعات نه‌چندان مرتفع تالش قرار گرفته است. در میان این دره، رود گیلوان جاری بوده و به برکت همین رود داخل دره، باغ‌های زیادی دیده می‌شود که عمده اقتصاد مردمان نیز متکی به آن است. رود گیلوان در نهایت به رود شاهرود که یکی از شعب رود قزل‌اوزن است می‌پیوندد. آب‌وهوای محل از نوع معتدل کوهستانی است.

در اردیبهشت سال ۱۳۸۵ شمسی طی اجرای پروژه جاده‌سازی در روستای خانقاه، بقایای چند گور آشکار گردید. از این تاریخ به بعد چهار فصل مطالعات باستان‌شناسی در این محوطه انجام پذیرفت. فصل اول در همان سال انجام شد و گورهای ۱۲، ۱۹ و ۲۵ مورد کاوش قرار گرفت که از میان آن‌ها یک گور به عصر آهن I و باقی گورها به عصر آهن II متعلق بودند. همچنین در راستای مشخص نمودن وضعیت گورستان، ترانشه B مورد کاوش قرار گرفت. در پی حفاری در این ترانشه، گورهای شماره ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۴ آشکار شد. براساس مطالعات انجام‌گرفته بر روی این قبور، ۲ گور متعلق به عصر مفرغ میانی، ۱ گور متعلق به عصر آهن I، ۹ گور متعلق به عصر آهن II بود و ۴ گور به دوره اشکانی تعلق داشت (ر.ک. به: رضالو، ۱۳۸۶؛ Rezalou, 2011; Rezalou et al., 2015; Rezalou & Ayramlou, 2016).

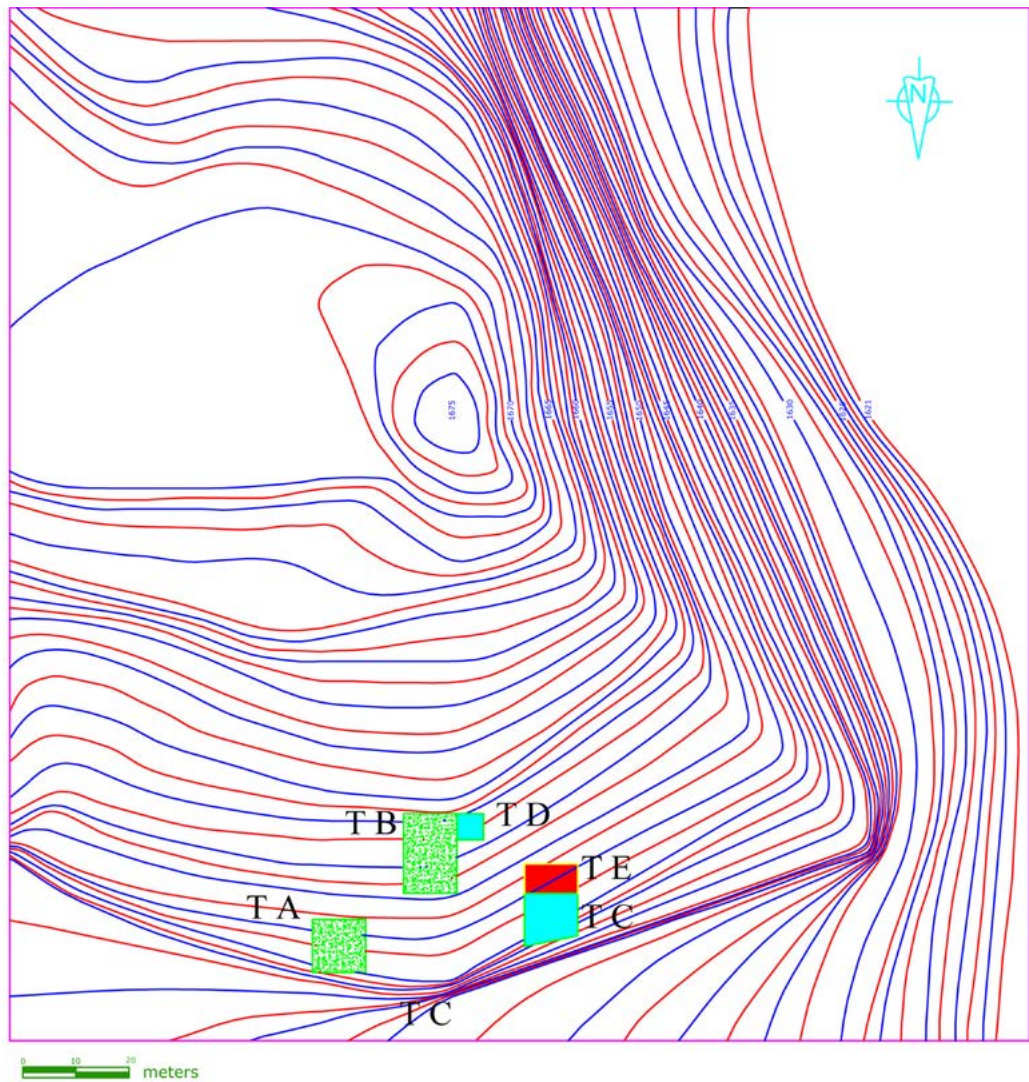
فصل دوم کاوش در این محوطه در سال ۱۳۸۶ شمسی انجام پذیرفت. در این فصل ترانشه C با ابعاد ۱۰×۱۰ متر در سمت غرب ترانشه A و ترانشه D با ابعاد ۵×۵ متر در کنار ترانشه B مورد کاوش قرار گرفت. در نتیجه کاوش در این فصل بقایای ۵ گور باستانی به دست آمد که یکی از قبور متعلق به دوره پارسی، یک نمونه متعلق به عصر مفرغ میانی و سه گور دیگر متعلق به عصر آهن I هستند (تصویر ۳).



تصویر ۱. موقعیت گورستان گیلوان در شمال غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۶).



تصویر ۲. تصویر ماهواره‌ای محدوده مورد مطالعه (Google Earth 2017).



تصویر ۳. نقشه توپوگرافی گورستان و موقعیت ترانسه‌های کاوش شده (نگارندگان، ۱۳۹۶).

گورهای عصر آهن گورستان گیلوان گور شماره ۲۶

این گور در ترانسه D و در سمت شمال شرقی آن در عمق ۱۰۷- سانتی متر از نقطه ثابت اندازه‌گیری آشکار شد. گور از نوع چاله‌ای بوده که بعد از انجام عملیات تدفین از لاشه سنگ و تخته سنگ برای مشخص کردن گور، یا با عبارت دیگر به عنوان سنگ‌های نشانه گور استفاده شده است. با توجه به شکل و فرم سنگ‌های نشانه‌ای روی گور، شکل این گور را می‌توان تقریباً بیضی دانست. جنس این سنگ‌ها رسوبی آهکی و ماسه‌ای است. فوقانی‌ترین قسمت گور متعلق به یک لاشه سنگ ورقه‌ای شکل بوده که در شمالی‌ترین قسمت گور قرار گرفته بود. این لاشه سنگ در عمق ۱۱/۵ سانتی متر از سطح زمین قرار داشت. خاک ریخته شده در درون گور شامل خاک رس به همراه دانه‌های درشت تا ریزش‌ن است که داخل آن‌ها لاشه سنگ‌های بزرگ و کوچک نیز قابل مشاهده بود، به طوری که می‌توان گفت خاک ریخته شده در درون گور دارای ناخالصی بوده و هیچ تلاشی برای سرند خاک و یا استفاده از خاک نرم صورت نگرفته است. عوامل مختلفی همچون شرایط اقلیمی نامناسب که عمده آن شامل رطوبت بالای منطقه، ریخته شدن خرده سنگ‌ها و تخته سنگ‌ها بر روی اسکلت، رانش زمین و همچنین زلزله، منجر به وارد آمدن صدمات زیادی به

اسکلت شده است، به گونه‌ای که بعضی از قسمت‌های اسکلت حالت منسجم خود را از دست داده و باعث شده نتوانیم به دید کاملی از شیوه تدفین دست یابیم.

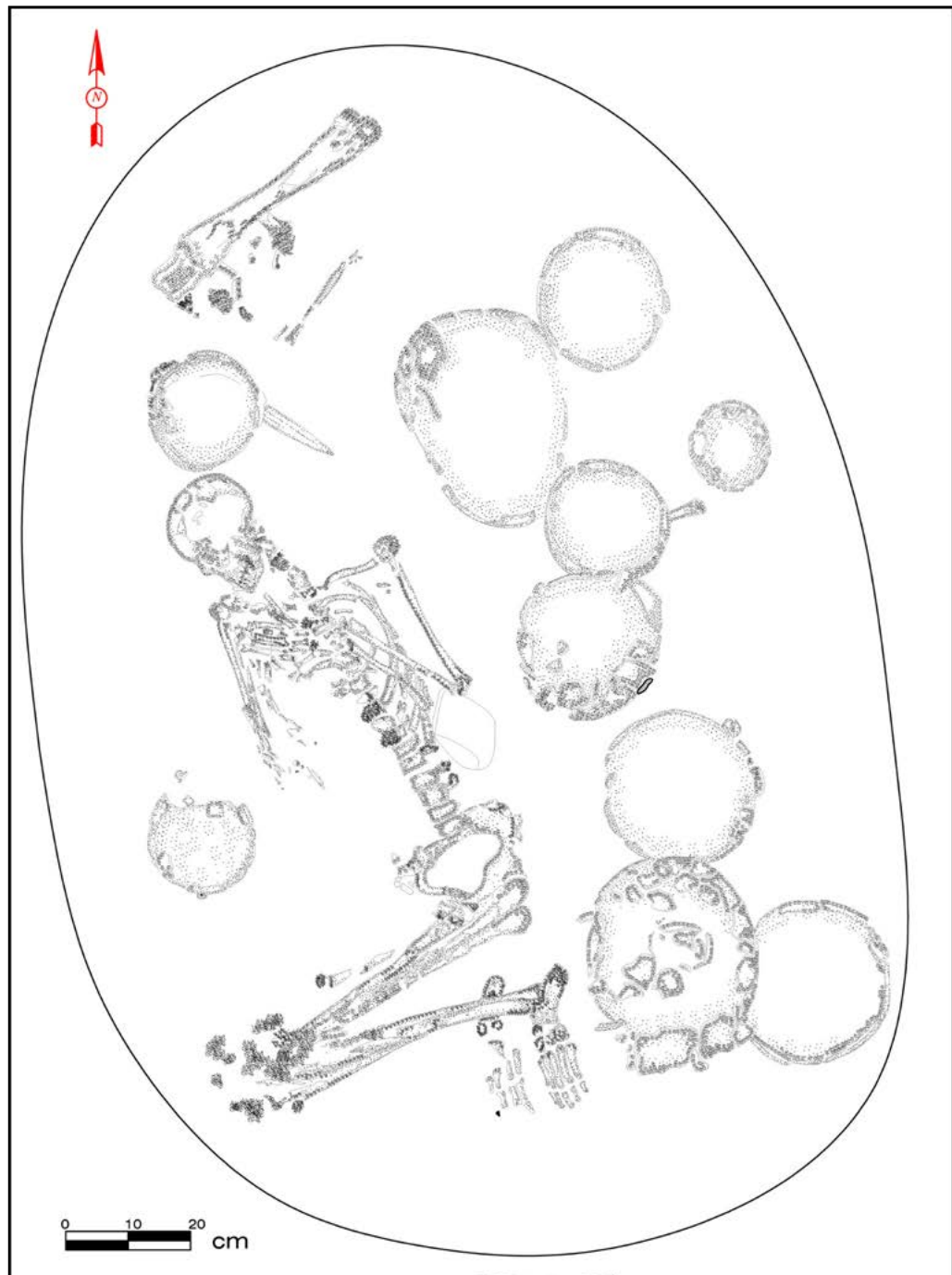
تدفین صورت گرفته در این گور به شکل انفرادی و متعلق به یک مرد ۲۵ تا ۳ ساله بود که تدفین آن به صورت نیمه جمع شده و در جهت شمال غربی - جنوب شرقی انجام گرفته بود، به صورتی که سر در قسمت شمال غربی و پاها در قسمت جنوب شرقی قرار داشت. جمجمه به پهلوئی راست قرار گرفته و سمت چپ جمجمه، یعنی نواحی اطراف گوش به دلیل شرایطی که قبلاً گفته شد، خرد و متلاشی شده است. جهت صورت به سمت جنوب، کمی مایل به سمت جنوب غرب قرار گرفته بود، اما تنه اسکلت (بالا تنه) به شکل طاق باز و جهت آن در قسمت سرشانه‌ها به سمت شمال غربی و در ناحیه لگن به سمت جنوب شرقی است. لگن اسکلت با توجه به اینکه پاها به صورت کاملاً جمع شده بوده، می‌بایست به شکل قائم باشد، اما در نتیجه فشار ناشی از خاک ریخته شده بر روی گور، قسمت سمت چپ لگن که به هنگام تدفین بالا قرار داشته، به سمت پائین مایل شده است و لگن نیز خود به شکل خرد شده و شکسته شده دیده می‌شود. استخوان بازوی دست راست در امتداد بدن و در ناحیه آرنج با یک زاویه ۹۰ درجه به بیرون مایل شده است. باید به این نکته اشاره کرد که کف دست راست حالت باز داشته است. دست چپ نیز در امتداد بدن قرار داده شده و در ناحیه آرنج به سمت کف دست راست که بر روی سینه اسکلت قرار داده شده، مایل شده بود. استخوان بازوی چپ با یک زاویه ۴۰ درجه نسبت به ستون فقرات (محوریت بدن) به سمت درون مایل شده است. کف دست چپ نیز با یک زاویه ۱۱۰ درجه به سمت کف دست راست قرار داده شده و به نظر می‌رسد که بر روی کف دست راست قرار گرفته بود. مچ دست نیز بر روی مهره‌های سینه اسکلت قرار داشته است.

پاها به صورت کاملاً جمع شده بوده و پای راست در زیر پای چپ قرار داده شده بود. در زیر زانوان این اسکلت یک سنگ لاشه‌ای قرار داده شده بود که احتمالاً به این منظور بوده که زانوها را کمی بالاتر نگه دارد و این عمل به عمد صورت گرفته است. پای راست با یک زاویه ۹۷ درجه نسبت به لگن و ستون فقرات به سمت غرب قرار داده شده بود. با توجه به وضعیت قرارگیری کف پای راست به نظر می‌رسد که پای راست کمی از پای چپ به سمت غرب متمایل بوده و با کف پای چپ در حدود ۵ سانتی‌متر فاصله داشته است. استخوان‌های قلمه پای راست یا همان استخوان درشت نی پای راست با یک زاویه ۱۴ درجه شکسته شده است. مچ پای راست نیز با یک زاویه ۸۲ درجه نسبت به استخوان درشت نی پای راست قرار داده شده بود. پای چپ بر روی پای راست قرار داشت. زاویه و خمیدگی پای چپ نسبت به ستون فقرات با همان محوریت بدن در حدود ۹۷ درجه بوده است (تصویر ۴).

در این گور تعداد ۱۴ نمونه شیء تدفینی به عنوان هدایا قرار داده شده بود که شامل ۱۰ ظرف سفالین، ۱ مهره فریت با روکش طلا، ۱ خنجر، ۱ سرنیزه و ۱ گوشواره مفرغی بود (تصاویر ۶-۵). این اشیاء با نمونه‌های به دست آمده از سایر محوطه‌های عصر مفرغ و عصر آهن شمال غرب ایران قابل مقایسه هستند، همچنان که در اینجا به ارائه این مقایسه‌ها و توصیف اشیاء پرداخته می‌شود. ظرف دهانه باز با لبه عمودی (N. 1) در سمت شمال غربی اسکلت و ۸ سانتی‌متری جمجمه اسکلت قرار داشت، به گونه‌ای که دهانه آن به سمت اسکلت متمایل بود.

مهره فریت با روکش طلا (N. 2) بر روی سینه اسکلت و در میان استخوان دنده سوم سمت چپ به دست آمد.

ظرف سفالی گردن دار با گردن بلند (N. 3)، در قسمت شرقی گور قرار داده شده بود. نزدیک‌ترین فاصله این ظرف به پاشنه پای چپ بوده که در فاصله ۵/۱ سانتی‌متری از آن و در فاصله ۷/۹ سانتی‌متری از لگن قرار داشت.



تصویر ۴. گور شماره ۴ و موقعیت اشیاء تدفینی در اطراف اسکلت (نگارندگان، ۱۳۹۶).

ظرف سفالی دهانه باز با لبه به بیرون برگشته (N. 4) در قسمت شرقی گور قرار داشت. فاصله نزدیک‌ترین قسمت ظرف به اسکلت ۳۲/۲ سانتی‌متر بوده که از لبه ظرف تا استخوان پاشنه پای چپ است. این ظرف سفالی دارای یک دسته بوده که بر روی آن یک برآمدگی دیده می‌شود. ظرف سفالی در جداره بیرونی دارای نقوش داغ‌دار موجی متقاطع، در زیر لبه و بالای زاویه بدنه است. بر روی دسته نیز نقوش عمودی داغ‌دار وجود دارد. این ظرف از نوع ظروف با بدنه زاویه دار است. ظرف سفالی دهانه باز با لبه عمودی (N. 5) که در قسمت شرقی گور به دست آمد. دهانه ظرف به سمت اسکلت مایل بوده و فاصله نزدیک‌ترین قسمت ظرف به اسکلت یعنی لگن، ۲۳ سانتی‌متر

است.

ظرف سفالی دهانه بسته (N. 6) در قسمت شرقی گور به دست آمد. نزدیک ترین قسمت ظرف از آرنج دست چپ اسکلت ۵/۵ سانتی متر بود. این ظرف دارای دسته‌ای است که تزئین برآمده‌ای روی آن کار شده است.

ظرف سفالی با دهانه بسته (N. 7) در قسمت شرقی گور قرار گرفته بود. وضعیت قرارگیری آن به گونه‌ای بود که دهانه آن به سمت اسکلت متمایل گذاشته شده بود. این ظرف در فاصله ۲۴ سانتی متری از شانه و ۴۸ سانتی متری مجموعه قرار داشت. این ظرف دارای یک دسته است که بر روی آن یک زائده برآمده مشاهده می‌شود.

سرنیزه مفرغی (N. 8) در قسمت شرقی گور قرار داشت. فاصله فوقانی ترین قسمت سرنیزه یعنی زبانه سرنیزه از استخوان کتف چپ اسکلت ۵۲ سانتی متر بود. شیوه ساخت آن چکش کاری است. این سرنیزه متشکل از یک تیغه دو لبه به شکل مخروطی با یک شیار برجسته در دو طرف تیغه و در قسمت میانی آن است. تیغه در قسمت انتهایی با یک قوس به زبانه سرنیزه که به شکل لوله مدور تو خالی است، متصل شده است. نوک سرنیزه چندان تیز نبوده و دارای قوس است. قسمت شیار میانی که محوریت استحکام سرنیزه بر روی آن استوار است با یک قوس تند به قسمت تیغه متصل گردیده و شیار آن که تقریباً حالت مثلثی دارد از قسمت شروع زبانه آغاز شده و تا نوک سرنیزه امتداد دارد. در ارتفاع ۱/۷ سانتی متر از انتهای زبانه دو سوراخ دیده می‌شود که احتمالاً سوراخی بوده که به منظور محکم نمودن دسته چوبی استفاده شده است. در درون زبانه استوانه‌ای شکل که دسته چوبی سرنیزه در درون آن قرار می‌گرفته، بقایای چوب وجود داشت.

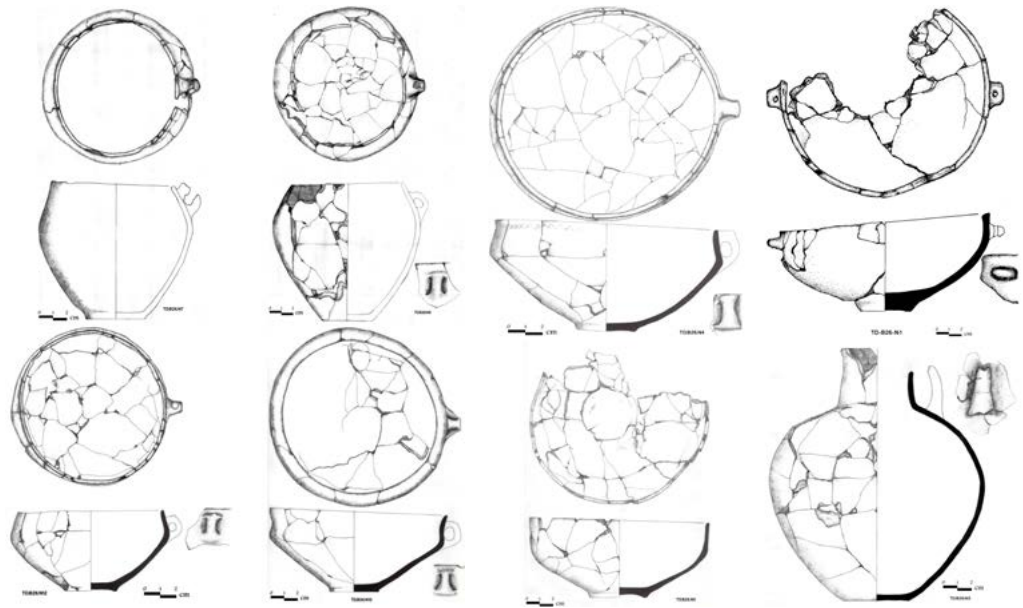
ظرف سفالی دهانه بسته (N. 9) در قسمت شرقی گور قرار گرفته بود. نزدیک ترین فاصله این ظرف از استخوان کتف بازوی چپ اسکلت ۵۹/۲ سانتی متر و فاصله آن از مجموعه ۷۹ سانتی متر بود.

ظرف سفالی دهانه باز با لبه به بیرون برگشته (N. 10) در قسمت شمال شرقی گور قرار گرفته بود. نزدیک ترین فاصله ظرف از کتف چپ اسکلت ۵۷/۵ سانتی متر و از مجموعه ۶۲/۵ سانتی متر بود. این ظرف دارای یک دسته بود که به نظر می‌رسد از نمونه‌های تحول یافته دسته نخجوانی است. آثار و نشانه‌های خطوط افقی داغ دار در زیر لبه و بالای زاویه بدنه ظرف مشاهده می‌شود. ظرف دهانه باز با لبه به بیرون برگشته (N. 11) در قسمت شمال شرقی اسکلت قرار گرفته بود. نزدیک ترین فاصله ظرف به شانه اسکلت ۱۷/۵ سانتی متر و به مجموعه ۲۸ سانتی متر بود.

ظرف سفالی دهانه باز با لبه به درون برگشته (N. 12) در قسمت شمالی گور و در فاصله ۷ میلی متری از استخوان پس سری مجموعه قرار گرفته بود. این ظرف دارای یک دسته عمودی است که بر روی آن یک برجستگی دکمه‌ای شکل دیده می‌شود.

خنجر مفرغی (N. 13) در سمت شمالی گور و در سمت شمال شرقی و در فاصله ۱۶/۴ سانتی متری از مجموعه قرار داشت. این خنجر در روی قسمت پهن تیغه، یعنی شیار تیغه قرار داده شده بود، بدین گونه که نوک آن به سمت جنوب شرقی و زبانه آن به سمت شمال غربی بود. قسمت انتهایی شیار به زبانه خنجر ختم می‌شود که به احتمال دسته چوبی یا استخوانی خنجر در داخل این زبانه قرار می‌گرفته است. شیوه استفاده شده برای ساخت این خنجر، چکش کاری است. آثار مواد سیاه رنگ بر روی تیغه خنجر نشان دهنده آن است که این مواد احتمالاً متعلق به بقایای غلاف چرمی خنجر بودند.

گوشواره مفرغی (N. 14) بر روی گوش چپ و چسبیده به مجموعه قرار داشت. این گوشواره به رنگ سبز و به شکل مفتولی و فنی مدور است. شیوه استفاده شده برای ساخت این گوشواره، چکش کاری است.

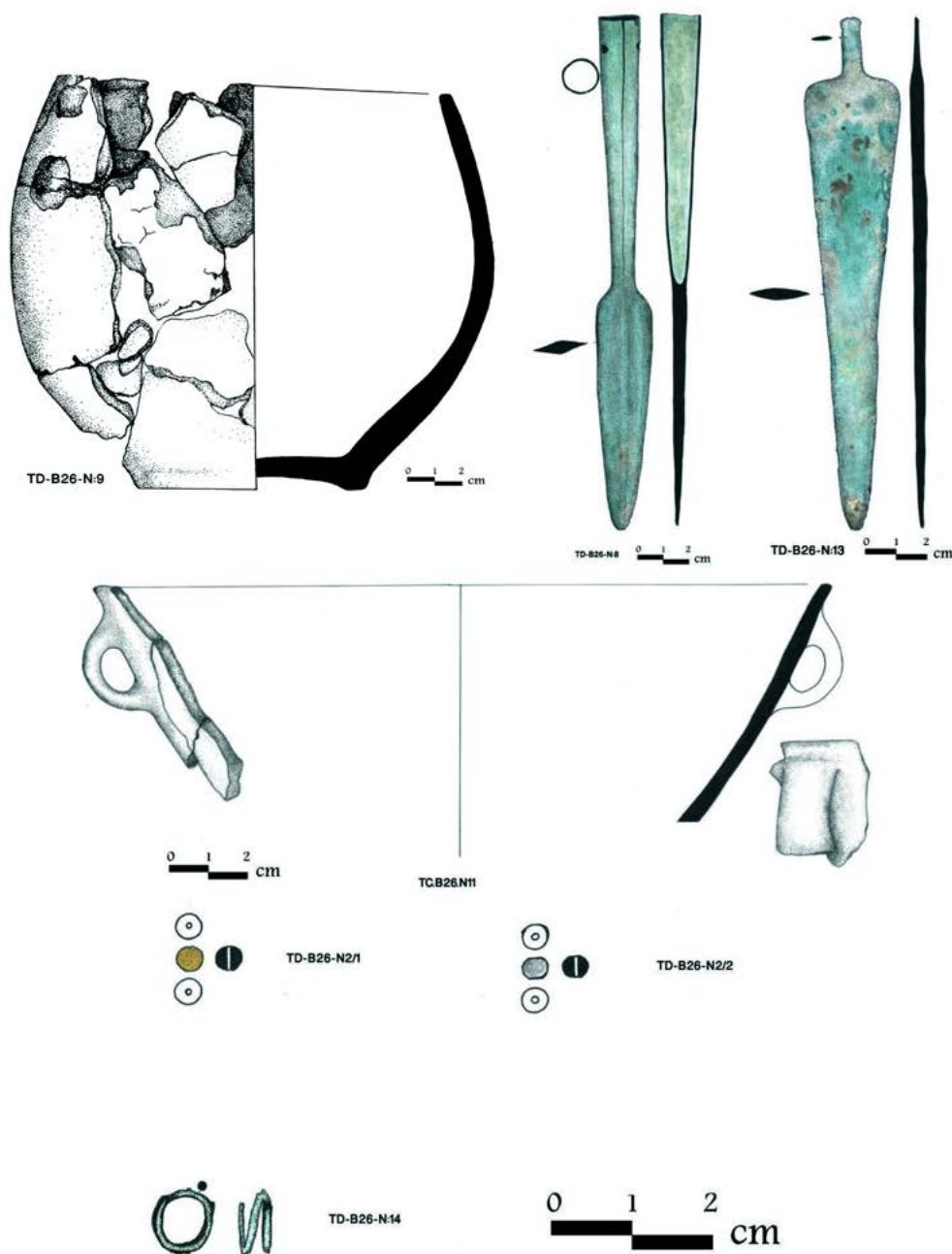


تصویر ۵. هدایای تدفینی گور شماره ۲۶ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

گور شماره ۲۸

این گور در گوشه شمال غربی ترانشه C قرار گرفته و بالاترین سطح فوقانی گور از سطح زمین ۱۴۹- سانتی متر بود. گور از نوع گورهای چاله‌ای است و با توجه به وضعیت قرارگیری سنگ‌های روی سطح زمین و با توجه به نظم موجود میان آن‌ها، بعد از انجام عملیات تدفین، سنگ‌هایی را به عنوان نشانه و احتمالاً به منظور مشخص نمودن گور، در کنار هم قرار داده‌اند. بیشتر قسمت‌های گور در نتیجه عملیات جاده‌سازی از میان رفته؛ اما با توجه به شواهد برجای مانده به نظر می‌رسد که گور به شکل بیضی بوده است. خاک ریخته شده در درون گور مخلوطی از خاک رس به همراه دانه‌های درشت، متوسط و ریز شن، قلوه سنگ و لاشه سنگ بوده است.

در نتیجه عملیات جاده‌سازی بخش اعظمی از اسکلت و هدایای قرار داده شده در کنار این اسکلت از بین رفته است. تنها بخشی از بالاتنه که شامل قسمت بالای لگن و استخوان بازو و جمجمه است باقی مانده است. بنابراین سخن گفتن درباره شیوه تدفین در این گور تا حدی مشکل است. بالاترین قسمت تدفین متعلق به قسمت پیشانی بوده که در عمق ۲۹۵- سانتی متر قرار داشت. تدفین به شکل انفرادی و متعلق به یک زن ۲۵ تا ۳۵ ساله بوده که به شکل طاق باز در جهت جنوبی-شمالی دفن شده بود، به گونه‌ای که سر در قسمت جنوبی و پائین‌تنه در قسمت شمالی قرار داشت. جمجمه به حالت خوابیده به پشت سر قرار داده شده بود. به نظر می‌رسد که به عمد زیر سر جمجمه را کمی بالا آورده‌اند تا به چشمان جمجمه یک دید تقریباً افقی داده باشند. این وضعیت به حدی است که چانه اسکلت به سومین مهره گردن چسبیده و جهت صورت به سمت شمال قرار گرفته بود. وضعیت دهان جمجمه به گونه‌ای توصیف ناشدنی نوعی حالت وحشت را در انسان ایجاد می‌نماید. این بدان دلیل است که دهان جمجمه به هنگام تدفین باز شده است. در دندان‌های آسیاب اسکلت آثار و شواهد سائیدگی زیادی دیده می‌شود که احتمالاً به دلیل وجود ناخالصی در آرد و نان مورد استفاده این اقوام بوده است. دست راست با یک زاویه حدود ۴۰ درجه‌ای به سمت شرق دراز شده بود. در ناحیه آرنج استخوان ساعد، دست به سمت اسکلت مایل شده، اما به دلیل عملیات راه‌سازی نمی‌توان مشخص نمود که شیوه قرارگیری دست به چه صورت بوده است. دست چپ به موازات بدن و در راستای بدن دراز شده بود. تنها قسمت



تصویر ۶. هدایای تدفینی گور شماره ۲۶ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

برجای مانده از استخوان‌های دست چپ متعلق به استخوان بازو بوده است (تصویر ۷). از هدایای تدفینی قرار داده شده در درون گور تنها بخش‌هایی از یک سردوک سفالی و یک ظرف سفالی برجای مانده و مابقی اشیاء در نتیجه عملیات جاده‌سازی از میان رفته است (تصویر ۸). قسمتی از یک سردوک سفالی (N. 1) به رنگ خاکستری روشن که مابین استخوان‌های دنده سمت چپ، یعنی مابین دنده هفتم و هشتم و چسبیده به ستون فقرات قرار گرفته بود. این سردوک در فاصله ۲۰/۵ سانتی‌متری از زیر چانه و در فاصله ۱۱/۲ سانتی‌متری از استخوان بازوی سمت چپ قرار داشت. نمونه‌های مشابه به این سردوک از محوطه‌هایی چون هفتوان (Edwards,) VIb (Egami et al., 1965: pl. LXVII/b3) (1983: fig. 151: 14) متعلق به عصر مفرغ جدید و قلعه کوتی

جدول ۱. مشخصات هدایای تدفینی گور شماره ۲۶ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

شماره شی	رنگ	نوع ساخت	میزان پخت	شاموت	پوشش جداره بیرونی	پرداخت جداره بیرونی	محوه مورد مقایسه	دوره
N. 1	خاکستری تیره	دست‌ساز	کافی	ماسه متوسط + ذرات سفید آهکی + ذرات طلائی میکا	گلی رقیق	صیقل جزئی	هفتوان V1c (Edwards, 1983: fig. 13/5) از دینخواه D (Hamlin, 1974: fig. 4/1) هفتوان V1b (Edwards, 1983: fig. 82/14) شهریری (پورفرج، ۱۳۸۶: لوح ۸-۱۱: ۱۷) قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۶: ب: طرح ۳-۱۸: ۹۵) گوی تپه A (Brown, 1951: fig. 39/1650)	مفرغ میانی مفرغ جدید مفرغ جدید آهن I آهن I آهن II
N. 2	سفید	روکش طلائی	-	مهره فریت	-	-	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 36/994) شهریری (پورفرج، ۱۳۸۶: تصویر ۸-۱۹) محوطه مریان گیلان (خلعتیری، ۱۳۸۳: لوح ۱۰/۱۸)	آهن I آهن I آهن II
N. 3	خاکستری تیره - قهوه‌ای	دست‌ساز	ناکافی	ماسه متوسط + ذرات سفید آهکی + ذرات طلائی میکا	گلی رقیق	دست مرطوب	مریان (خلعتیری، ۱۳۸۳: لوح ۱/۲) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: LII/15)	آهن II آهن II
N. 4	خاکستری تیره	دست‌ساز	ناکافی	ماسه ریز + ذرات سفید آهکی + ذرات طلائی میکا	گلی غلیظ	صیقلی	هفتوان V1b (Edwards, 1983: fig. 82/17) گوی تپه B (Brown, 1951: 33/1004) هفتوان V (طلائی، ۱۳۸۴: تصویر 1/S) هفتوان IV (Talai, 2007: 3/1)	مفرغ جدید آهن I آهن I آهن II
N. 5	خاکستری - قهوه‌ای	دست‌ساز	ناکافی	ماسه ریز + ذرات سفید آهکی + ذرات طلائی میکا	گلی رقیق	صیقلی	هفتوان V1c (Edwards, 1983: fig. 13/5) دینخواه IV (Robinson, 1991: fig. 28/J; Hamlin, 1974: IV/32) هفتوان IVb (Edwards, 1983: fig. 82/14) شهریری (پورفرج، ۱۳۸۶: لوح ۸-۱۰ و ۱۱-۸: ۱۶) قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۶: ب: طرح ۳-۲، ۲-۳، ۷۲: طرح ۳-۲ و ۳-۳) هفتوان V (طلائی، ۱۳۸۴: شکل K:1) سگرآباد II (شهمیرزادی، ۱۳۵۶: تصویر ۴۳: ۴ و ۷: ۱۴۴)	مفرغ میانی مفرغ جدید مفرغ جدید آهن I آهن I آهن I آهن I
N. 6	خاکستری تیره - قهوه‌ای	دست‌ساز	ناکافی	ماسه ریز + ذرات سفید آهکی + ذرات طلائی و نقره‌ای میکا	گلی رقیق	صیقلی	باباجان V (Goff, 1976: 10/21 & 24) هفتوان IVb (Edwards, 1983: fig. 82/3) گوی تپه B (Brown, 1951: fig. 33/1004) هفتوان V (طلائی، ۱۳۸۴: شکل 2:s) قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۶: ب: طرح ۱۸-۱۶: ۲ و ۱۹-۹: ۳)	مفرغ جدید مفرغ جدید آهن I آهن I آهن I
N. 7	قهوه‌ای - سیاه	دست‌ساز	ناکافی	ماسه ریز + ذرات سفید آهکی	گلی رقیق	صیقلی	هفتوان V1b (Edwards, 1983: fig. 82/3) باباجان V (Goff, 1976: fig. 10/24, 21) قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۶: ب: طرح ۳-۱۹: ۹ و ۳-۱۸: ۱۶) هفتوان V (طلائی، ۱۳۸۴: شکل S/۲) گوی تپه B (Brown, 1951: fig. 33/1004)	مفرغ جدید مفرغ جدید آهن I آهن I آهن I
N. 8	-	-	-	سرنیزه مفرغی	-	-	بازگیر (نوکنده و همکاران، ۱۳۸۴: طرح ۴/۶) تول گیلان (خلعتیری، ۱۳۸۳: تصویر ۵۲) لاسلوکان II (Egami et al, 1965: pl. XC/6a) دینخواه II (Muscarella, 1974: fig. 39/125)	مفرغ جدید آهن II آهن II آهن II

متعلق به عصر آهن I به دست آمده است.

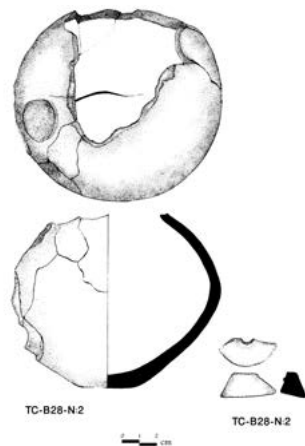
ظرف سفالی (N. 2) احتمالاً گردن بلند که به صورت شکسته و ناقص و به رنگ قرمز بوده و بر روی قسمت چپ تنه، مابین استخوان‌های دنده و زیر بغل به گونه‌ای که استخوان بازوی سمت چپ به آن چسبیده بود، قرار داشت. فاصله این ظرف از زیر چانه ۷/۵ سانتی‌متر و از ستون فقرات

مفرغ جدید	Edwards, 1981: fig. 1/15; 1983: V1b (fig. 86/7)	صیقل جزئی	گلی غلیظ	ماسه درشت + ذرات سفید آهکی + نقره‌ای میکا	ناکافی	دست‌ساز	قهوه‌ای	N. 9
مفرغ جدید	دینخواه IV (Hamlin, 1974: fig. V/39a)							
مفرغ جدید	گوی تپه D (Brown, 1951: fig. 22/1056)							
آهن I	قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۶: طرح ۳-۹: ۳-۱۶: ۱۸)							
آهن I	هفتوان V (طلایی، ۱۳۸۴: شکل DD/۱)							
آهن I	شهربری (پورفرج، ۱۳۸۶: لوح ۸-۹: ۲۸)							
مفرغ جدید	Edwards, 1981: fig. 16/19; 1983: V1b (fig. 86/2 & fig. 129/4)	صیقلی	گلی رقیق	ماسه ریز + ذرات سفید آهکی + نقره‌ای میکا	کافی	دست‌ساز	خاکستری روشن و تیره	N. 10
آهن I	قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۶: طرح ۳-۴: ۱۲ و ۳-۴: ۱۸)							
آهن I	هفتوان V (طلایی، ۱۳۸۴: شکل D/۱)							
آهن I	شهربری (پورفرج، ۱۳۸۶: لوح ۸-۹: ۲۸)							
آهن I	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 11/903)							
آهن II	گوی تپه A (Brown, 1951: fig. 39/1950)							
آهن II	هفتوان IV (Talai, 2007: pl. 3/d)							
آهن II	حسنلوی IV (Young, 1965: fig. 4/1)							
مفرغ جدید	گوی تپه C (Brown, 1951: fig. 30/950)	-	گلی رقیق	ماسه درشت + ذرات سفید آهکی + نقره‌ای میکا	کافی	دست‌ساز	خاکستری تیره	N. 11
آهن I	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 16/369)							
آهن I	کردلر تپه IV (Lippert, 1979: fig. 5-9/ABB)							
آهن I	قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۶: طرح ۳-۲: ۲۸)							
آهن I	هفتوان V (طلایی، ۱۳۸۴: شکل S/۶)							
مفرغ جدید	Edwards, 1983: fig. 82/16) V1b	صیقلی	گلی رقیق	ماسه ریز + ذرات سفید آهکی + نقره‌ای میکا	ناکافی	دست‌ساز	خاکستری تیره - سیاه	N. 12
مفرغ جدید	گوی تپه D (Brown, 1951: fig. 24/162)							
آهن I	گوی تپه B (Brown, 1951: fig. 33/1004)							
آهن I	هفتوان V (طلایی، ۱۳۸۴: شکل F/۱)							
آهن II	هفتوان IV (Talai, 2007: pl. 4/a)							
مفرغ جدید	بازگیر (نوکنده و همکاران، ۱۳۸۴: تصویر ۱۴/ب)	-	-	خنجر مفرغی	-	-	-	N. 13
آهن I	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 16/241)							
آهن I	قلعه کوتی (Egami et al., 1965: pl. LIX/28)							
آهن II	کول تاریکه (Rezvani & Roustaei, 2007: pl. 17/d)							
آهن II	قلعه کوتی (Egami et al., 1965: pl. LXXXIII/2a)							
آهن I	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1008)	-	-	گوشواره مفرغی	-	-	-	N. 14
آهن II	لاسولکان (Egami et al., 1965: pl. XXXVIII/14a)							
آهن II	کول تاریکه (Rezvani & Roustaei, 2007: pl. 18/g)							
آهن II	قلعه کوتی (Egami et al., 1965: pl. LVII/87)							

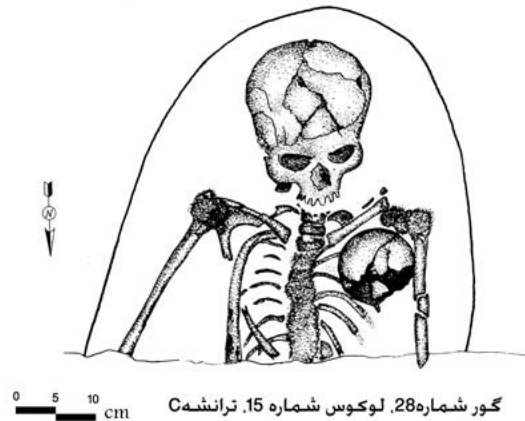
۵/۶ سانتی متر بود. نمونه‌های مشابه این ظرف از محوطه‌هایی چون مریان (خلعتبری، ۱۳۸۳: لوح ۱۲/۱) متعلق به عصر آهن II و قلعه کوتی (Egami et al., 1965: pl. LXIV/26) متعلق به عصر آهن I به دست آمده است.

گور شماره ۳۱

این گور در قسمت شمالی ترانشه C قرار داشت و به شکل تدفین دونفره و درکنار هم انجام گرفته بود. این گور نیز از نمونه گورهای چاله‌ای بوده که پس از انجام تدفین و ریختن خاک و پر کردن چاله کنده شده بر روی آن سنگ‌هایی را به عنوان نشانه قرار داده‌اند. با توجه به اینکه بخش اعظمی از این گور از میان رفته است، بازسازی شکل کلی آن کمی دشوار است، اما به نظر می‌رسد فرم کلی این گور بیضی بوده است. ارتفاع فوقانی‌ترین سطح گور (سنگ‌های نشانه) از سطح زمین ۱۹۴- سانتی متر است.



تصویر ۸. هدایای تدفینی گور شماره ۲۸ (نگارندگان، ۱۳۹۶).



گور شماره 28، لوکوس شماره 15، ترانشه C

تصویر ۷. تدفین گور شماره ۲۸ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

خاک ریخته شده در درون گور، خاک رس به همراه دانه های درشت و متوسط و ریز شن، سنگ ریزه و لاشه سنگ بود. یکی از نکات بسیار جالب توجه در میان خاک ریخته شده در درون گور، وجود قطعات سفالی به صورت پراکنده بوده که متعلق به ظروف مختلف با رنگ ها و فرم های گوناگون است. ویژگی خاص دیگر این گور در این است که در زیر تدفین و در ضلع شرقی گور یک تخته سنگ رسوبی از نوع سنگ های ماسه ای وجود داشته که در امتداد چانه اسکلت شماره ۲ قرار گرفته بود. تدفین ها بلافاصله بر روی این سنگ ها قرار نگرفته و فاصله میان این سنگ ها و اسکلت با یک خاک قهوه ای تیره رنگ پر شده است.

تدفین به شکل دونفره بوده، به همین دلیل به هر کدام یک شماره مجزا داده شده است. به اسکلتی که به سطح فوقانی گور نزدیک تر بوده، شماره ۱ که همان اسکلتی است که در سمت غرب گور قرار گرفته و اسکلتی که سطح بالایی آن کمی پایین تر از اسکلت دیگر بوده و در سمت شرقی گور قرار داده شده بود، شماره ۲ داده شده است. تدفین شماره ۱ به شکل نیمه جمع شده و در جهت جنوبی-شمالی بوده که در ناحیه سر کمی به سمت جنوب غربی و در قسمت پایین تنه کمی به سمت شمال شرقی مایل شده است. این اسکلت احتمالاً متعلق به یک مرد ۳۰ تا ۳۵ ساله است. مجموعه به پهلوی چپ و صورت به سمت غرب و پس سر به سمت شرق قرار داده شده بود. در شیوه تدفین سعی بر این شده تا یک حالت ترازگونه در زیر سر و پهلوی چپ سر ایجاد شود. صورت به سمت غرب بوده و این عمل به نظر می رسد به عمد انجام گرفته است. این وضعیت بدین دلیل است که ستون فقرات و محوریت بدن به سمت شمال شرقی-جنوب غربی است، اما سر را به گونه ای در مهره های گردن خم نموده اند تا صورت به طور کامل به سمت غرب مایل شود. فک بالایی خرد شده و از دندان ها تعداد شش دندان عقبی در سمت بالا قابل مشاهده بود. بر روی فک زیرین نیز تعدادی از دندان ها برجای مانده بود. بدن به شکل طاق باز بوده و جهت آن شمالی-جنوبی است که در قسمت بالاتنه یعنی مهره های گردن کمی مایل به سمت جنوب غربی و در قسمت پایین تنه یعنی قسمت لگن به سمت شمال شرقی مایل شده است. از مهره های گردن چیزی برجای نمانده، اما مهره های ستون فقرات و سینه وضعیت مطلوب تری داشته است. وضعیت استخوان های ترقوه نیز به صورت شکسته و خرد شده است. لگن به صورت طاق باز بوده، اما به نظر می رسد که با توجه به اینکه پاها به صورت جمع شده تدفین یافته، می بایست لگن به پهلوی چپ باشد، ولی در نتیجه فشار وارده ناشی از خاک ریخته شده بر روی گور بدین وضعیت درآمده است. استخوان بازوی دست راست در امتداد بدن قرار داده شده و در قسمت انتهایی ۷ درجه به سمت بدن مایل شده است. این

استخوان در قسمت‌های چسبیده به مفاصل ترقوه دارای شکستگی و خوردگی بسیار زیادی است. استخوان‌های زند اعلی و سفلی با یک زاویه ۶۰ درجه به سمت بدن خم شده است. کف دست به شکل باز شده بود و در یک خط ممتد از آرنج دست چپ و به فاصله ۲ سانتی متری از آن قرار داشت. استخوان بازوی دست چپ با یک زاویه ۳۶ درجه نسبت به بدن به سمت بیرون (سمت غرب) قرار داده شده بود. استخوان‌های زند اعلی و زند سفلی دست چپ با یک زاویه ۶۰ درجه به سمت غرب و در خط ممتد از شانۀ اسکلت قرار داده شده بود. از کف دست چپ چیزی برجای نمانده بود. استخوان پای راست بر روی پای چپ و به فاصله ۱۱/۵ سانتی متری از آن قرار دارد. با توجه به قسمت‌های برجای مانده به نظر می‌رسد که پاها به شکل جمع شده بوده‌اند. استخوان ران پای راست با یک زاویه ۱۲۵ درجه نسبت به بدن به سمت شمال غربی قرار داشت. استخوان ران پای چپ نیز با یک زاویه ۱۲۰ درجه به سمت شمال غربی قرار داده شده بود.

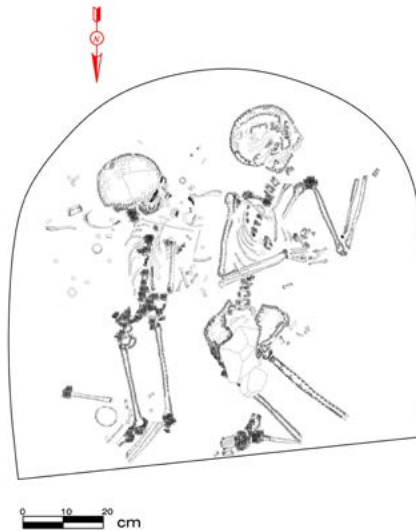
در اسکلت شماره ۲ تدفین به شکل نیمه جمع شده و به پهلوی راست صورت گرفته بود. جهت تدفین جنوبی-شمالی بوده که در ناحیه سر کمی مایل به سمت جنوب غربی و در قسمت پایین کمی مایل به سمت شمال شرقی بود. این اسکلت متعلق به یک زن ۴۰ تا ۴۵ ساله است. جمجمه به پهلوی چپ قرار داده شده و صورت به سمت غرب و استخوان‌های پس سر به سمت شرق است. وضعیت قرارگیری این جمجمه به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد قسمت زیر سر را در پهلوی چپ بلند کرده‌اند و این کار به عمد صورت گرفته است. کاسه چشمان در خط ممتد از استخوان مفصل بازوی دست راست اسکلت شماره ۱ قرار داده شده و فاصله آن از این مفصل ۱۶ سانتی متر است و از استخوان پس سری جمجمه شماره ۱، ۲۲/۵ سانتی متر است. دندان‌ها دارای ساییدگی زیادی بوده، به گونه‌ای که در برخی قسمت‌ها تا قسمت مینای دندان، این ساییدگی را می‌توان مشاهده نمود. این ساییدگی احتمالاً می‌تواند در نتیجه سن زیاد شخص و وجود ناخالصی‌های فراوان در غذای مورد استفاده باشد.

بدن به پهلوی چپ قرار داده شده است. این وضعیت در گورهای کاوش شده دیگر این گورستان دیده نشده است و این تدفین یک حالت تدفین منحصر به فرد است، بدین گونه که در بیشتر اسکلت‌های این گورستان بدن به صورت طاق باز قرار داده شده است. با توجه به وضعیت موجود به نظر می‌رسد که حالت استثنایی تدفین این اسکلت را می‌بایست در تدفین دوگانه این گور جست‌وجو کرد. احتمالاً هدف از قرار دادن اسکلت شماره ۲ با این حالت خاص، ارتباط آن با اسکلت شماره ۱ است که در سمت غربی این اسکلت قرار داشته است. در رابطه با تقدم و تأخر زمانی تدفین‌های صورت گرفته در این گور هیچ گونه اطلاعی در دست نیست، با این همه آنچه که می‌توان از وضعیت تدفین اسکلت شماره ۲ استنباط نمود این است که این اسکلت احتمالاً بعد از اسکلت شماره ۱ دفن شده است. مهره‌های گردنی نسبت به مهره‌های کمر در سطح بالاتری قرار دارند. این وضعیت احتمالاً در ارتباط با سطح تدفین بوده که سطح ایجاد شده برای تدفین سطح صافی نبوده است. از استخوان‌های ترقوه نیز قسمت‌های اندکی برجای مانده است. استخوان لگن به صورت شکسته و خرد شده بوده و با توجه به وضعیت تدفین و وضعیت جمع‌شدگی می‌توان چنین استنباط نمود که قسمت سمت چپ لگن به سمت پایین و سمت راست لگن به سمت بالا بوده است.

از استخوان‌های دست راست اسکلت که در قسمت غربی قرار گرفته چیزی برجای نمانده است. وضعیت دست چپ نیز شبیه به دست راست بوده و بیشتر استخوان‌های دست چپ نیز از میان رفته، از پاهای اسکلت شماره ۲ نیز قسمت‌های اندکی برجای مانده، پاها به شکل جمع شده بوده و استخوان پای چپ که ۱۸ سانتی متر از آن باقی مانده، در زیر استخوان پای راست و با یک زاویه ۱۵۲ درجه‌ای به سمت شمال غربی قرار داده شده بود. استخوان درشت‌نی پای راست با یک زاویه

۵۸ درجه به سمت شمال شرقی قرار داشته است. استخوان ران پای چپ با یک زاویه ۱۶۰ درجه به سمت شمال غربی و استخوان درشت نی با یک زاویه ۱۵۸ درجه به سمت شمال شرقی قرار داده شده بود (تصویر ۹).

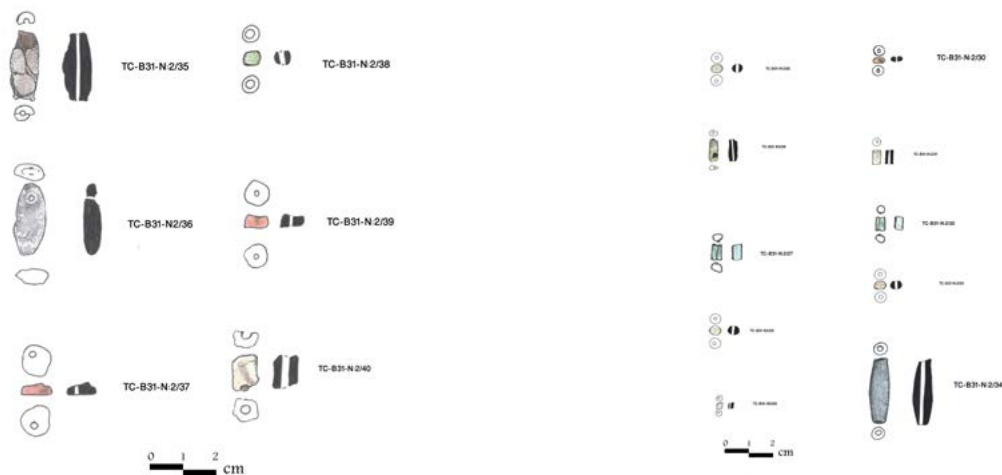
نکته جالب توجه در هدایای قرار داده شده در این گور عدم وجود حتی یک ظرف سفالی است. در مجموع ۵۷ شیء شامل ۴۰ عدد مهره تزئینی، ۱۱ گوشواره مفرغی، ۳ عدد سنجاق سر مفرغی، ۱ عدد سوزن مفرغی، ۱ عدد آویز مفرغی و ۱ عدد النگوی مفرغی شناسایی شد که به اختصار و با مقایسه های انجام گرفته با سایر محوطه های این دوره در زیر ارائه می شود (تصاویر ۱۰-۱۲). بسیاری از این هدایا شبیه به هم بوده و بسیاری از آن ها به صورت گروهی با یک یافته مشابه در سایر محوطه ها مورد مقایسه قرار گرفته است. به علت زیاد بودن این اشیاء و شباهت آن ها به یکدیگر و برای خودداری از تکرار مطالب و کم کردن حجم مطالب، آن ها به صورت مرتب به همراه مقایسه های انجام گرفته (در صورت وجود) در یک جدول ارائه می شود.



تصویر ۹. تدفین های گور شماره ۳۱ (نگارندگان، ۱۳۹۶).



تصویر ۱۰. هدایای تدفینی گور شماره ۳۱ (نگارندگان، ۱۳۹۶).



تصویر ۱۱. هدایای تدفینی گور شماره ۳۱ (نگارندگان، ۱۳۹۶).



تصویر ۱۲. هدایای تدفینی گور شماره ۳۱ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

مطالعه قبور عصر آهن این محوطه نشانگر وجود همانندی‌های بسیاری در یافته‌های تدفینی محوطه‌های شمال غرب ایران در دوره مفرغ و آهن است. به عبارت دیگر یافته‌های این گورستان را می‌توان با اشیاء تدفینی بسیاری از محوطه‌های مفرغ میانی، مفرغ متأخر و عصر آهن I و II مورد مقایسه قرار داد و این موضوع نشانگر یک تسلسل فرهنگی در گذر از یک دوره به دوره دیگر در شمال غرب ایران و حتی مناطق هم‌جوار است. به نظر می‌رسد بسیاری از تحولات روی داده در عصر آهن شمال غرب ایران ریشه در دوره قبل از آن داشته باشد. بسیاری از فرم‌ها و شیوه‌های ساخت اشیاء، نوعی طرح‌های تکامل یافته را نشان می‌دهند و موضوعی که دلالت بر تازه بودن و یا ظهور ناگهانی آن‌ها باشد قابل مشاهده نیست. البته ذکر این نکته نیز لازم است که در کنار داده‌های تدفینی از این دوره، باید به یافته‌های محوطه‌های استقرار نیز توجه ویژه‌ای شود. اگر بتوان با یک دید کلی و همه‌جانبه، یافته‌های فرهنگی گورستان‌ها و محوطه‌های استقرار این دوره را در کنار هم مورد توجه قرار داد، در مورد بسیاری از بحث‌های مبهم راجع به ظهور یا عدم

جدول مقایسه‌ای اشیاء تدفینی گور شماره ۳۱ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

شماره شی	نوع	جنس	شکل	رنگ	نمونه قابل مقایسه	دوره
N. 1	سوزن	مفرغی	-	سبز	-	-
N. 2/1	مهره	فریت	مدور	نخودی	-	-
N. 2/2	مهره	فریت	مدور	لعاب نارنجی	-	-
N. 2/3	مهره	فریت	مدور	نخودی	-	-
N. 2/4	مهره	فریت	مدور	نخودی	-	-
N. 2/5	مهره	فریت	مدور	نخودی	قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LXXXIII/2)	آهن I
N. 2/6	مهره	فریت	مدور	نارنجی	-	-
N. 2/7	مهره	مفرغی	استوانه‌ای	نخودی	-	-
N. 2/8	مهره	فریت	مدور	نخودی	-	-
N. 2/9-2/11	مهره	فریت	کروی	نخودی	باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/23) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LVII/121) حسنلو V (Dyson, 1965: fig. 2/1584) دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052)	مفرغ جدید آهن I آهن I آهن I
N. 2/12	مهره	فریت	کروی	نخودی با لعاب سیاه	باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/23) هفتوان VIIb (Edwards, 1983: fig. 156/1) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LVII/121) دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052)	مفرغ جدید مفرغ جدید آهن I آهن I
N. 2/13	مهره	فریت	کروی	نخودی	-	-
N. 2/14	مهره (دارای نقش کنده)	فریت	استوانه‌ای	نخودی	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052h)	آهن I
N. 2/15	مهره	فریت	مدور	نخودی	-	-
N. 2/16	مهره	فریت	استوانه‌ای	نخودی	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 7/833a) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LVII/17b)	آهن I آهن I
N. 2/17	مهره	فریت	کروی	قهوه‌ای	باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/23) دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052l) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LVII/121)	مفرغ جدید آهن I آهن I
N. 2/18	مهره	فریت	کروی	نارنجی	-	-
N. 2/19	مهره	فریت	استوانه‌ای	نخودی	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052h)	آهن I
N. 2/20	مهره	استخوانی	دیسکی	-	V (Dyson, 1965: fig. 2/1580) دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 7/833h)	آهن I آهن I
N. 2/21	مهره	عقیق	دیسکی	زرد - قرمز	V (Dyson, 1965: fig. 2/1580)	آهن I
N. 2/22	مهره	عقیق	دیسکی	قرمز	V (Dyson, 1965: fig. 2/1580) III (Muscarella, 1974: fig. 7/833h)	آهن I
N. 2/23	مهره	فریت	کروی	نخودی	باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/23) دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052l) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LVII/121) حسنلو V (Dyson, 1965: fig. 2/1584)	مفرغ جدید آهن I آهن I آهن I
N. 2/24	مهره	فریت	کروی	سفید	باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/23) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LVII/121)	مفرغ جدید آهن I
N. 2/25	مهره	فریت	کروی	قهوه‌ای	باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/23) دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052l) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LVII/121) حسنلو V (Dyson, 1965: fig. 2/1584)	مفرغ جدید آهن I آهن I آهن I
N. 2/26	مهره	فریت	استوانه‌ای	نخودی	-	-
N. 2/27	مهره	مفرغی	استوانه‌ای	-	تول گیلان (خلعتبری، ۱۳۸۳: تصویر ۶۷)	آهن II

مفرغ جدید آهن I آهن I آهن I	باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/23) دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052J) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LVII/121) حسنلوی V (Dyson, 1965: fig. 2/1584)	قهوه‌ای	کروی	فریت	مه‌ره	N. 2/28
-	-	سفید	استوانه‌ای	فریت	مه‌ره	N. 2/29
-	-	کرمی	کروی	فریت	مه‌ره	N. 2/30
آهن I	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052h)	نخودی	استوانه‌ای	فریت	مه‌ره	N. 2/31
-	-	-	استوانه‌ای	مفرغی	مه‌ره	N. 2/32
مفرغ جدید آهن I آهن I آهن I	باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/23) دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/1052J) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LVII/121) حسنلوی V (Dyson, 1965: fig. 2/1584)	سفید	کروی	فریت	مه‌ره	N. 2/33
آهن I	قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LXIV/1)	سیاه	استوانه‌ای	شبق	مه‌ره	N. 2/34
-	-	کرمی	استوانه‌ای	فریت	مه‌ره	N. 2/35
آهن I آهن II	دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 7/833e) تول گیلان (خلعتبری، ۱۳۸۳: تصویر ۶۸)	خاکستری	بیضی	سنگی	اویز	N. 2/36
مفرغ جدید آهن I	هفتوان VIb (Edwards, 1983: fig. 144/18) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LXIV/14)	قرمز	دیسکی	عقیق	مه‌ره	N. 2/37
مفرغ جدید	هفتوان VIb (Edwards, 1983: fig. 144/8)	-	استوانه‌ای	مفرغی	مه‌ره	N. 2/38
مفرغ جدید آهن I	هفتوان VIb (Edwards, 1983: fig. 144/19) قلعه کوتی (Egami et al, 1965: pl. LXIV/14)	قرمز	دیسکی	عقیق	مه‌ره	N. 2/39
آهن II آهن II	لاسلوکان (Egami et al, 1965: pl. LXXXVII/14a) تول گیلان (خلعتبری، ۱۳۸۳: لوح ۹۰:۱۰)	-	مدور	مفرغی	گوشواره	N. 3
مفرغ جدید مفرغ جدید آهن I	هفتوان VIIb (Edwards, 1983: fig. 143/2) باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/15) دورویه (Overlaet, 2005: burial. 5, pl. 1:4 & 5)	-	-	مفرغی	سنجاق سر	N. 4
مفرغ جدید مفرغ جدید آهن I آهن I آهن II	هفتوان VIIb (Edwards, 1983: fig. 143/2) باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/15) گوی تپه (Dyson, 1965: fig. 2:3/1292) دورویه (Overlaet, 2005: burial. 5, pl. 1:4 & 5) وسکه (خلعتبری، ۱۳۸۳: لوح ۹۰:۹)	-	-	مفرغی	سنجاق سر	N. 5
آهن II آهن II	لاسلوکان (Egami et al, 1965: pl. LXXXVII/14a) تول گیلان (خلعتبری، ۱۳۸۳: تصویر ۶۴)	-	مدور	مفرغی	گوشواره	N. 6-8
-	-	-	مستطیلی	مفرغی	اویز	N. 9
آهن I آهن I آهن I	دورویه (Overlaet, 2005: burial. 5:3) دینخواه III (Muscarella, 1974: fig. 6/453) شهریری (پورفرج، ۱۳۸۶: تصویر ۸-۳)	-	مدور	مفرغی	النگو	N. 10
مفرغ جدید مفرغ جدید آهن I آهن I آهن II	هفتوان VIIb (Edwards, 1983: fig. 143/2) باباجان V (Goff, 1976: fig. 11/15) گوی تپه (Dyson, 1965: fig. 2: 1/1290) دورویه (Overlaet, 2005: burial. 5, pl. 1:4 & 5) وسکه (خلعتبری، ۱۳۸۳: لوح ۹۰:۱۰)	-	-	مفرغی	سنجاق سر	N. 11
آهن II آهن II	لاسلوکان (خلعتبری، ۱۳۸۳: تصویر ۶۴) تول گیلان (Egami et al, 1965: LXXXVII/14a)	-	مدور	مفرغی	گوشواره	N. 12-17

ظهور فرهنگ‌های جدید که نماینده اقوام جدید و تازه‌وارد به این حوزه باشد می‌توان بیشتر به بحث و گفت‌وگو پرداخت.

کتابنامه

- ابتهاج، ویدا (۱۳۸۳). «بررسی ساختار معماری قبور مگالیتیک عصر آهن ایران، مطالعه موردی محوطه شهریری اردبیل». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- پورفرج، اکبر (۱۳۸۶). «بازنگری عصر آهن شمال غرب ایران: مطالعه موردی محوطه شهریری اردبیل و قلاع اقماری». پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی پیش‌از تاریخ، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۹۱). «تبیین و گاه‌نگاری فرهنگ کورگان‌های شرق شمال غرب ایران؛ براساس بررسی و کاوش در قلعه بوبنی یوغون نیر». *مجله مطالعات باستان‌شناسی*. دانشگاه تهران. دوره ۴، شماره ۵، صص: ۵۹-۸۱.
- حاجی‌زاده، کریم (۱۳۹۳). «گزارش نهایی اولین فصل کاوش در گورستان قیزیل‌قیه مشگین‌شهر». سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران (منتشر نشده).
- حصاری، مرتضی و اکبری، حسن (۱۳۸۴). «گزارش گمانه‌زنی تپه‌ایدیر اصلاندوز»، *گزارش‌های باستان‌شناسی*، شماره ۴. پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۳). «تول گیلان»، رشت: اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان با همکاری پژوهشکده باستان‌شناسی.
- رضالو، رضا (۱۳۸۶ الف). «گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان». تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۸۶ ب). «ظهور جوامع با ساختار پیچیده سیاسی و اجتماعی در دوران مفرغ جدید در حوزه جنوبی رود ارس با بررسی موردی داده‌های باستان‌شناسی قلعه خسرو». رساله دکتری باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۸۷). «گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان». تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۸۸). «گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان». تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۸۹). «گزارش مقدماتی چهارمین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان». تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- رضالو، رضا و آیرملو، یحیی (۱۳۹۳). «فرهنگ عصر مفرغ جدید و آهن I دشت اردبیل: مطالعه موردی قلعه خسرو و قلاع اقماری». *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*. شماره ۶. دوره چهارم. صص: ۶۵-۸۴.
- طلائی، حسن (۱۳۸۴). «سفالگری عصر آهن (حدود ۱۱۰۰-۱۴۰۰ پ. م) تپه هفتوان دشت سلماس حوزه دریاچه ارومیه». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۲-۱۷۳، دوره ۵۶، صص: ۴۳-۲۱.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۵۶). «گزارش مقدماتی فصل اول و دوم حفاری تپه سگزآباد (سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰)». *مجله مارلیک*، نشریه گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. شماره ۲، صص: ۹۸-۸۱.

- نوکنده، جبرئیل؛ عمرانی رکاوندی، حمید و عباسی، قربانعلی (۱۳۸۴). «گزارش مقدماتی کشف مجموعه بازگیر، دشت گرگان (۱۳۷۹)». گزارش‌های باستان‌شناسی، جلد ۴، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.

- هژبری نوبری، علیرضا (۱۳۸۳). «گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش محوطه شهیری». سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

- Alizadeh, K. & Ur, J. A. (2007). "Formation and destruction of pastoral and irrigation landscapes on the Mughan steppe, North-Western Iran". *Antiquity* 81, P.P. 148-160.

- Burney, C. A. (1979). "Haftavan Tepe (survey of excavations in Iran)". *IRAN* 17, P.P. 150-11.

- Burton Brown, T. (1951). *Excavations in Azerbaijan 1948*. London: John Murray.

- Dyson, R. H. (1965). "Problems of protohistoric Iran as seen from Hassnlu". *Journal of Near Eastern Studies* 24, P.P. 193-217.

- Ebtehaj, V. (2004). "Study of architecture structure of tombs in Iron Age Iran, case study of Shahreari site Ardabil". M.A thesis, Tehran: University of Tarbiat Modares (unpublished).

- Edwards, M. R. (1981). "The pottery of Haftavan VIB (Urmia ware)". *IRAN* 19, P.P. 101-114.

- Edwards, M. R. (1983). *Excavation in Azerbaijan (north-western Iran) I. Haftavan, period VI*. Oxford (BAR international series 182).

- Egami, N. & Fukai, SH. & Masuda, S., (1965). *The excavation at Ghale kuti and Laslukan 1960*. Tokyo: The Tokyo University Iraq-Iran archaeological expedition report 18.

- Goff, C. (1976). "Excavation at Babajan, the Boronze Age Occupation". *IRAN* 14, P.P. 19-40.

- Hajizadeh, K. (2014). "Final report of first season excavation in cemetery of Ghizil Ghiah Meshkinshar". Tehran: Archives Iranian center for archeological research (unpublished).

- Hamlin, C. (1974). "The early second millennium ceramic assemblage of Dinkhah Tepe". *IRAN* 12, P.P. 125-153.

- Hesari, M. & Akbari, H. (2005). *A report of trenching Tapeh Idir Aslandoz. Gozareshhaye Bastanshenasi*. Tehran: Press of Iranian center for archeological research.

- Hozhabri Nobari, A. R. (2004). "Preliminary report of third season of excavation in Shahreari site". Tehran: Archives Iranian center for archeological research (unpublished).

- Ingraham, M.L. & Summers, G. (1979). "Stela and settlement in the Meshgin Shahr plain, northeastern Azerbaijan". *IRAN* 12, P.P. 67-101.

- Khalaatbari, M. R. (2004). *Toul Gilan*. Rasht: Administration of cultural heritage of Gilan province.

- Lippert, A. (1979). *Die osterreichischen ausgrabungen am Kordlar-Tepe in Per-*

sisch-Westaserbaidshan (1971- 1978). Archologische Mitteilungen aus Iran 12: 103-153.

- Malek Shajmirzadi, S. (1978). "Preliminary report first and second season of excavation in Tapeh Saqezabad (years of 1971 and 1972)". *Journal of Marlik*, No. 2, P.P. 81-98.

- Muscarella, O.W. (1974). "The Iron Age at Dinkha Tepe, Iran". *Metropolitan Museum Journal* 9, P.P. 35-90.

- Nokandeh, J. & Omrani Rakavandi, H. & Abassi, G. (2005). *Preliminary report of discover Bazgir collection, Gorgan plane*. Gozareshhaye Bastanshenasi. Tehran: Press of Iranian center for archeological research.

- Overlaet, B. (2005). "The Chronology of the Iron age in the Pusht-I Kuh, Lur-estan". *Iranica Antiqua*, Vol. XL, P.P. 1-33.

- Porfaraj, A. (2007). "A Review Iron Age of northwest Iran, case study of Shahreari site Ardabil and peripheral forts". Ph.D. thesis: Tehran: University of Tarbiat Modares (unpublished).

- Porfaraj, A. (2012). "Study and chronology of Gorkanids culture of east and north-west Iran, according to survey and excavation in Ghaleh Boini Nier". *Journal of Motale-at Bastanshenasi*, Vol. 4, No. 5, P.P. 59-81.

- Rezalou, R. (2007a). "Preliminary report first season of excavation in cemetery of Khangah Gilavan". Tehran: Archives Iranian center for archeological research (unpublished).

- Rezalou, R. (2007b). "The emergence of societies with complex political and social structure in Late Bronz Age in southern basin of Aras river, case study of archaeological data Galeh Khosro". Ph.D. thesis: Tehran: University of Tarbiat Modares (unpublished).

- Rezalou, R. (2008). "Preliminary report second season of excavation in cemetery of Khangah Gilavan". Tehran: Archives Iranian center for archeological research (unpublished).

- Rezalou, R. (2009a). "Preliminary report third season of excavation in cemetery of Khangah Gilavan". Tehran: Archives Iranian center for archeological research (unpublished).

- Rezalou, R. (2009b). "Preliminary report fourthseason of excavation in cemetery of Khangah Gilavan". Tehran: Archives Iranian center for archeological research (unpublished).

- Rezalou, R. (2011). "Parthian burials at Khangah Gilvan cemetry in Ardabil province". *The internathional journal of humanites of Islamic republic of Iran* 19(1), P.P. 97-108.

- Rezalou, R. & Airlou, Y. (2014). "The Late Bronze Age and Iron Age I Cultures in Ardabil Plain: Qalla Khosrow and Peripheral Castles". *Journal of Pajhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, Vol. 4, No. 6, P.P. 65-84.

- Rezalou, R & Ayramlou, Y. (2016). "A Preliminary Report on the first Season of

excavations at Gilavan cemetery in N-W Iran”. *International Journal of the Society of Iranian Archaeologists*, Vol. 2, No. 4, P.P. 45-74.

- Rezalou, R. & Alizadeh Soula, M. & Kazempour, M. (2015). “Study of Iron Age Burials Ceramics at Khanghah Gilvan Cemetery in N-W Iran”. *The International Journal of Humanities*, Vol. 22, No. 1, P.P. 131-150.

- Rezvani, H. & Roustaei, K. (2007). “A preliminary report on two seasons of excavations at Kul Tarike cemetery, Kurdistan, Iran”. *Iranica Antiqua*, Vol. XLII, P.P. 139-184.

- Rubinson, K. S. (1991). “A mid-second millennium tomb at Dinkha Tepe”. *American Journal of Archaeology* 95 (3), P.P. 373-394.

- Talai, H. (2005). “Pottery making of Iron Age (1400-1100 BC) Tapeh Haftvan Salmas plane in basin of Oromiah lake”. *Journal of faculty of letters and humanities university of Tehran*, Vol. 56, No. 172 & 173, P.P. 21-43.

- Talai, H. (2007). “The Iron age II (1200-800 B.C) pottery assemblage at Haftavan IV, N.W-Iran”. *Iranica Antiqua*, Vol. XLII, P.P. 105-123.

- Young, T. C. J. (1965). “A comparative ceramic chronology for western Iran, 1500-500 B. C”. *IRAN* 2, P.P 53- 85.